

ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

- مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: علی متقیان
- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمایر: ۸۸۷۶۱۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی: نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- مندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایرو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
- انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۲۳

تربس بعضی از اهالی فوتبال برای تبلیغ «بازی را بکش»

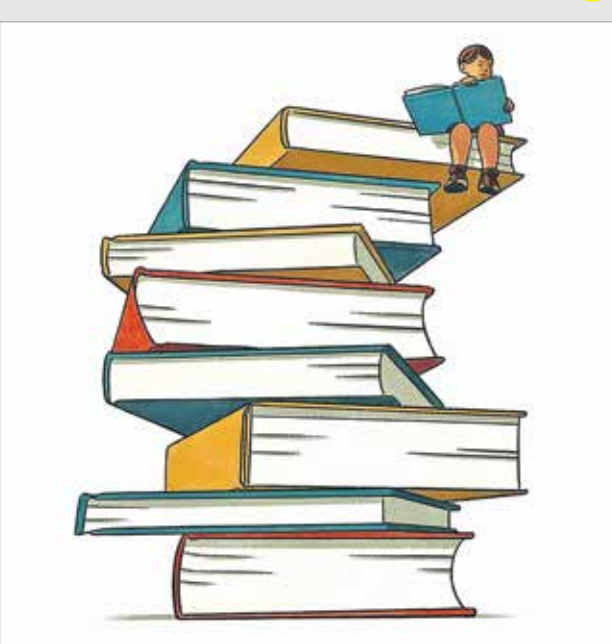
تولید «بازی را بکش» واقعاً کار سختی بود چون در زمان تحقیق و نگارش فیلمنامه، هر جایی که می‌خواستیم تحقیق میدانی انجام دهیم و اطلاعاتی به دست آوریم حتماً مانعی ایجاد می‌شد و این ماجرا در زمان تولید هم ادامه داشت به طوری که هر جایی می‌فهمیدند درباره شرط‌بندی، فیلم می‌سازیم انواع و اقسام مشکلات را جلوی پای ما می‌گذاشتند و سنگ‌اندازی می‌کردند تا آن اتفاق، درست انجام نشود. بچه‌های کوچک هم درگیر این فضای آلوده شده‌اند. بپسر من گرایش زیادی به فوتبال پیدا کرده و در لیگی از تهران بازی می‌کند. در آنجا هم خوب متوجه شدم که پشت صحنه انتخاب بچه‌ها و اینکه چه کسی در تیم بازی کند، پول‌های سنگین رد و بدل می‌شود. فوتبالی‌ها با فیلم برخورد دوگانه‌ای داشتند. بعضی از آنها اعتقاد داشتند که با عیان شدن این اتفاقات و پشت صحنه آن، اعتماد خانواده‌ها نسبت به فضای فوتبال از بین می‌رود.

از صحبت‌های مصطفی کبابی تهیه‌کننده «بازی را بکش» با ایستا

نقل قول

نگاره

اوج بالانتیشینی «آگاهی» است



نام طراح: ماتا تامایو |

یادداشت

حسین نوروزی

خوشنویس و گرافیکست

هویت ربوده‌شده مرکب خط فارسی؛

تأملی بر مصادره خطوط ایرانی در جشنواره فجیره

جشنواره بین‌المللی خط و تذهیب فجیره، در سال‌های اخیر با حضور خوشنویسان و هنرمندانی از سراسر جهان اسلام، کوشیده‌است سیمایی فرهنگی برای این امارت نوخاسته ترسیم کند.

در ظاهر، این رویداد، بزرگداشت هنر اسلامی و ارج‌گذاری بر زیبایی‌های بصری خط و تذهیب است؛ اما در ژرفای خود، با تحریف ریشه‌های بافتنی نسبت به دیگر فرهنگ‌ها، به نفع هویتی یک‌دست در این جشنواره، خطری برای حافظه تاریخی ملت‌ها به شمار می‌رود.

در دوره اخیر این جشنواره، هئاتی از داوران بین‌المللی –از کشورهای عربی و نیز دو نفر از اساتید برجسته ایرانی، استاد میرحیدر موسوی و استاد زهرا دوستی –بر کرسی قضاوت نشستند. بی‌تردید حضور هنرمندان ایرانی می‌توانست فرصتی برای نمایش اقتدار فرهنگی ایران باشد، اگر بستر جشنواره به تقلیل هویت هنر ایرانی نمی‌انجامید.

آنچه اعتراض اهل هنر را برانگیخته، اطلاق عنوان «خط عربی» به مجموعه‌ای از خطوط اسلامی، از جمله محقق، نسخ، ثلث و بوزره نستعلیق است؛ درحالی‌که نستعلیق نه‌تنها از نظر ساختار زیباشناختی و تاریخی، بلکه از حیث محتوای فرهنگی، خطی فارسی تبار و ایرانی‌نهاد است. این خط که در سده‌های هشتم و نهم هجری در ایران پدید آمد، با متون فاخر ادبی همچون شاهنامه، دیوان حافظ، گلستان سعدی و مثنوی معنوی درآمیخته و به عنصری جدایی‌ناپذیر از فرهنگ ایرانی بدل شده است. آی‌آمی توان خطی را که از جویبار زبانی فارسی جوشیده و در باغستان فرهنگ ایرانی بالیده، در پوشش‌نی غیراز آن معرفی کرد؟ آی‌آمی توان ساحت هنر را از جغرافیای خاستگاه و تاریخ تمدنی‌اش گسست؟ سکوت در برابر چنین تحریفی، به‌منزله تن‌دادن به روایت‌هایی است که می‌کوشند هویت‌ها را در قالبی یک‌دست و مطیع، یازنویسی کنند. در متون رسمی جشنواره فجیره، نه‌تنها از ایران به‌عنوان خاستگاه خط نستعلیق یاد نشده، بلکه تلاش شده تا این خطوط در پیکره‌ای موسوم به «الخط العربی» حل شوند. این نوع نام‌گذاری، نمونه‌ای از «استعمار فرهنگی نرم» است؛ شیوه‌ای نوین برای جذب میراث تمدنی ملت‌ها، بدون اشغال سرزمین‌شان.

خطوط ایرانی به نام عربی، موسیقی ایرانی در لباس سنتی شیخ نشین‌های حاشیه خلیج فارس و لباس‌های اقوام ایرانی در چهارچوب مدهای عربی، همه نشانه‌هایی از این روند خزنده‌اند. در واکنش به این رویداد، کارزاری اعتراضی با صدها امضا در فضای مجازی شکل گرفت که در آن جمعی از خوشنویسان، پژوهشگران و دلسوزان فرهنگ ایرانی از نهادهای فرهنگی کشور خواستند تا واکنشی درخور و در شأن هویت ملی نشان دهند. آنان به‌درستی هشدار دادند که در دوران سلطه روایت‌ها، بی‌عملی، خود‌گونه‌ای از مشارکت در تحریف است. از سویی دیگر، این واقعه آینه‌ای است برای بازاندیشی در عملکرد فرهنگی نهادهای ایرانی. ما نیازمند دیپلماسی فرهنگی فعال، آگاه و مسئولانه‌ایم؛ دیپلماسی‌ای که نه فقط بر پایه شرکت در رویدادها، بلکه بر بنیان دفاع از میراث، تبیین اصالت‌ها و بازنمایی دقیق جایگاه هنر ایرانی-اسلامی در جهان اسلام استوار باشد.

مشارکت بی‌مطالبه، تنها منجر به فراموشی سهم ایران در تمدن جهانی می‌شود. نستعلیق، تنها یک شیوه خوشنویسی نیست؛ بیانگر جهان‌بینی ایرانی، زیبایی‌شناسی خاص زبان فارسی و نماد پیوند عمیق میان ادب، عرفان و هنر است. نادیده‌گرفتن این هویت، همچون حذف گنبد از معماری اسلامی یا طرد شعر حافظ از ادبیات فارسی است. هرگونه تقلیل آن به «خط عربی»، ستمی است ضاعف بر روح تمدن ایرانی. زمان آن فرارسیده که فرهیختگان، نهادهای فرهنگی و رسانه‌ها، در برابر این روند واکنش روشن و ساختاری نشان دهند. ما در دورانی زندگی می‌کنیم که نبرد برای هویت، دیگر در میدان سیاست و شمشیر نیست؛ بلکه در میدان تصویر، روایت و تعریف است و در این میدان، مرکب و قلم نیز ابزار دفاع‌اند. اگر جشنواره فجیره حقیقتاً داعیه‌دار هنر اسلامی است، می‌بایست به حقیقت تمدنی خطوط اسلامی نیز وفادار بماند. در غیراین صورت، آنچه به نام همگرایی فرهنگی عرضه می‌شود، چیزی جز استتار تمایزها نیست و این، خطری است نه فقط برای ایران، که برای میراث تنوع‌گرا و وزین تمدن اسلامی.

یادداشت

مهرداد دانش
منتقد

زیبا صدایم کن، پنجمین فیلم رسول صدرعاملی درباره دختران نوجوان است. سیر تحول شخصیتی دختران نوجوان در این مجموعه فیلم‌ها، دختری با کفش‌های کتانی (۱۳۷۷)، من ترانه ۱۵ سال دارم (۱۳۸۰)، دیشب باباتو دیدم آیدا (۱۳۸۲)، سال دوم دانشکده من (۱۳۹۶) و زیبا صدایم کن (۱۴۰۳)، یازتابی از چالش‌های عاطفی، اجتماعی و هویتی این گروه سنی در بستر جامعه ایرانی است. صدرعاملی با تمرکز بر دنیای درونی و بیرونی دختران نوجوان، تحولات شخصیتی آنها را در مواجهه با مسائل خانوادگی، عشق، مسئولیت و فشارهای اجتماعی به تصویر می‌کشد.

در دختری با کفش‌های کتانی، تداعی دختری نوجوان است که درگیر عشقی ناپخته به پسرری جوان می‌شود و به چالش‌هایی با خانواده و نهادهای اجتماعی می‌رسد و در طول فیلم، با تجربه دستگیری، بازجویی و مواجهه با واقعیت‌های سخت اجتماعی، به درک عمیق‌تری از محدودیت‌های محیط خود ناآل می‌شود. این تجربه او را از یک شور عاشقانه خام به سمت خودآگاهی و پذیرش واقعیت سوق می‌دهد. در من ترانه ۱۵ سال دارم، ترانه (با بازی ترانه علیدوستی) دختری است که با ازدواج زودهنگام و بارداری ناخواسته، وارد مسیری دشوار می‌شود که در طی آن با طلاق، فقر و مسئولیت‌مادری دست و پنجه نرم می‌کند و بتدریج به زنی مستعزل و مقاوم تبدیل می‌شود که برای حفظ فرزندش مبارزه می‌کند. این تحول از معصومیت به قدرت درونی، هسته اصلی داستان است. ترانه از یک قربانی متغعل به قهرمانی فعال تبدیل می‌شود که سرنوشتش را به دست می‌گیرد.

نگاهی به فیلم «زیبا صدایم کن»

«یک ملودرام کش یافته»

این رویکرد در دهه ۸۰ و ۹۰ با «زندگی با چشمان بسته» و «سال دوم دانشکده من» به شکلی ناقص و الکن ادامه یافت و نتوانست زنجیره فیلم‌های آسیب‌شناسانه نوجوانانه او را به دختران جوان پیوند زده و یک مجموعه کامل را شکل بدهد. «زیبا صدایم کن» پس از ۷ سال وقفه، نقطه تلاقی دو رویکرد مهم در کارنامه او است: تلاقی ملودرام با محوریت دختران نوجوان کنشگر و مطالبه‌گر. نقطه قوت بالقوه دیگر فیلم، سوبیه اقتباسی اثر است که برداشت از رماتی به همین نام در حوزه کودک و نوجوان از فرهاد حسن‌زاده است. فیلمنامه به قلم ارش صادقی، میلاد صدرعاملی و محمدرضا صدرعاملی با تکیه بر رمان اولیه، به یک روز همجواری پدیری دچار اختلالات روانی (خسرو/ امین حیایی) و دختر نوجوانش (زیبا/ ژولیت رضایی) در روز تولد ۱۶ سالگی این دختر می‌پردازد.

نویسندگان و کارگردان برای به روز کردن رماتی که سال ۹۴ منتشر شده درام رویکردی جدید و مهم در کارنامه او و البته سینمای ایران بود؛ ثبت کنشگری دختران نوجوان که با نوعی اعتراض و مطالبه‌گری از جنس زمانه همراه بود. فیلمی که همراه با «دیشب باباتو دیدم آیدا» تبدیل به سه‌گانه‌ای قابل ارجاع در سینمای ایران شدند.

- مدیرعامل مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: علی متقیان
- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمایر: ۸۸۷۶۱۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی: نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- مندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایرو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
- انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۲۳

«لیان»

با لیانا روی صحنه

پس از دو سال تلاش و همکاری مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ممنوعیت حضور نوازندگان خانم در اصفهان شکسته شد و گروه موسیقی «لیان» به سرپرستی محسن شریفیان و برای اولین بار با حضور لیانا شریفیان ۲۴ تا ۲۶ اردیبهشت طی ۶ سانس با میزبانی ۶۵۰۰ نفر در سالن سیتی سنتر اصفهان به روی صحنه رفت. سرپرست گروه لیان گفته است: «زنان بخش جدایی‌ناپذیری از هنر و فرهنگ این سرزمین هستند.» ***/ایرنا***



«رام‌کردن اسب چوبی»

در حضور جمشید هاشم‌پور

جمشید هاشم‌پور، بازیگر پیشکسوت سینما شامگاه جمعه ۲۶ اردیبهشت ماه به تماشای نمایش «رام‌کردن اسب چوبی» به کارگردانی سینا زارانی در تالار چهارسو مجموعه تئاتر شهر نشست و بعد از اجرا از او قدردانی کردند. هاشم‌پور پس از تماشای این نمایش گفت: «این نمایش آتچنان زیبا و تماشایی، روان و سلیس بود که چیزی برای گفتن ندارم. واقعاً فکرمی‌کنم کاری که این گروه به کارگردانی سینا زارانی و بازی بازیگران به خوبی اجرا کردند، در این ۵۰ سال عمر هنرم‌ای، انجام ندادام.» ***/ایستا***



بازگشت مل گیبسون

به سینمای مذهبی

مل گیبسون پس از دو دهه، با ساخت دنباله‌ای بر فیلم پرفروش «صائب مسیح»، بار دیگر به سینمای دینی بازمی‌گردد؛ شرکت لایونزیکت به‌عنوان شریک تولید و پخش جهانی این پروژه انتخاب شده است. فیلم اول با بازی جیم کاوزل در نقش مسیح و مونیکا بلوچی در نقش مریم مجدلیه ساخته شده بود. گیبسون بیش از یک دهه است که در حال توسعه پروژه «رستاخیز» بوده و در مصاحبه‌های پیشین نیز تأکید کرده قصد دارد بار دیگر جیم کاوزل را در نقش مسیح بازگرداند. ***/ایرنا***

(زندگی مستقل) و هم به بلوغ عاطفی (پذیرش پدر و یافتن مادر) دست می‌یابد. مواجهه با حقیقت درباره مادرش که برخلاف تصور او در جست‌وجوی دخترش بوده، به زیبا کمک می‌کند تا گذشته را بازسازی کند و هویت خود را کامل‌تر ببیند. او مانند تداعی، ترانه، آیدا و مهتاب با چالش‌های خانوادگی و اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کند و همانند آنها از یک موقعیت آسیب‌پذیر به سمت خودآگاهی، استقلال و پذیرش واقعیت حرکت می‌کند. تمرکز صدرعاملی بر مسائل دختران نوجوان، مانند هویت، محدودیت‌های اجتماعی و نیاز به محبت، در این فیلم نیز مشهود است. مسئولیت‌مادری و فقر مواجهه است یا تداعی که درگیر عشقی سطحی می‌شود یا آیدا که در نهایت تسلیم خودآگاهانه به واقعیت‌های خانوادگی‌اش می‌شود یا مهتاب که در دوگانه خیانت و عشق دچار تردید می‌شود، تحول زیبا حول محور بازسازی روابط خانوادگی (با پدر و مادر) و یافتن هویت در بستر استقلال مادی می‌چرخد. رابطه عاطفی با پدر بیمار و کشف حقیقت درباره مادر، عمق احساسی بیشتری به داستان می‌بخشد.

اما صدرعاملی در این فیلم جدا از به کارگیری نمادهای آشنای خود، از صحنه‌های نمایین مانند گفت‌وگو با پدر بر فراز تاور کریبن، دزدیدن ون گشت ارشاد، پس گرفتن دستمزد دختر از کارفرمای زورگو در شکلی سریع یا خاموش کردن چراغ‌های برج به جای فوت کردن شمع تولد، نوعی رویاگونه‌گی را هم به سپهر اثر می‌افزاید و تا حدی از رئالیسم فیلم‌های نوجوانانه قبلی‌اش فاصله می‌گیرد و روند رسیدن به فرجام خوش را با روایتی که به رویا پهلو می‌زند پرورش می‌دهد. آی‌آ این رویاگونه‌گی پاسخی به نیازهای جامعه معاصر در مقایسه با مختصات جامعه در فیلم‌های قبلی صدرعاملی است؟

صدرعاملی

باتمرکزبر

دنیای درونی و

بیرونی دختران

نوجوان، تحولات

شخصیتی آنها

را در مواجهه

با مسائل

خانوادگی،

عشق، مسئولیت

و فشارهای

اجتماعی به

تصویری‌کنند



توهمات خسرو تأکید شده که مثلاً جهان ذهنی او و دختری (حتی بر فرض تخیل و روایت‌پردازی مشترک) به هم نزدیک نشده و اتفاقاً زیبا کاملاً واقع‌بین است.

اصلاً فیلم با سکانس حضور زیبا در محضر قاضی دادگاه برای گرفتن حکم رشد و تثبیت کاراکتر او به عنوان دختری عقل‌رس که بزرگتر از سن‌اش (۱۶ سال) می‌اندیشد و رفتار می‌کند، آغاز می‌شود که نمادلی برای ارتباط با پدر به‌معنای خردمند.

از همین سکانس با نوعی انباشت اطلاعات و طبعاً ارائه مداوم اطلاعات آن هم بر پایه دیالوگ روبه‌رو هستیم که در هر موقعیتی به جای تأمل، تکیه بر اچجاز و کارکرد سکوت، با پرگویی و توضیحات کاراکترها درباره خود، دیگری، گذشته، حال و روایها، کلافی درهم پیچیده بافته که فقط لایه سطحی احساس و همراهی مخاطب را طلب می‌کند. همان‌طور که در سینمای ایران از سیدموی ومعرفی نمادین دختر (سلام، من زیبام!) دلش به درد آید و همدلی کند؟



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید

امام صادقی (۴):

سخن‌روز

هر کس تو را گرامی داشت، تو نیز او را گرامی بدار و هر کس به تو بی احترامی کرد، خودت را در مرتبه او قرار مده.

بچارا لاتوار